

السلامة

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

تالیف:

دکتر مرتضی منادی
دانشیار دانشگاه الزهرا (س)



انتشارات آوای نور
تهران - ۱۳۹۶



سرشناسه	: منادی، مرتضی، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: جامعه‌شناسی آموزش و پرورش / تالیف مرتضی منادی.
مشخصات نشر	: تهران: آوای نور، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۰ ص: مصور، جدول .
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۰۲۲-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: جامعه‌شناسی تربیتی
رده بندی کنگره	: LC ۱۳۹۲۱۹۱ ج۲ / م۸
رده بندی دیویی	: ۴۳/۳۰۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۱۰۶۴۳



جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

تالیف: دکتر مرتضی منادی

ناشر: انتشارات آوای نور

صفحه آرا: منیر السادات حسینی

چاپ سوم ۱۳۹۶

تیراژ: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۰۲۲-۴

تهران: خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - پلاک ۹۹

تلفن: ۶ - ۶۶۹۶۷۳۵۵ / نمابر: ۶۶۴۸۰۸۸۲ / همراه: ۰۹۱۲۲۰۰۴۵۵۷

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

قیمت ۲۲۰۰۰ تومان

تقدیم به تمام معلمان و مربیان شهر و روستا،
که با علاقه، عشق و انگیزه فراوان،
برای آگاه ساختن و شکوفا کردن استعداد‌های نسل
جوان ایرانی،
چون فُقنوس برای پدیدارشدن فُقنوسی دیگر می‌سوزند
و جوانان را،
از چشمه زلال دانش و انبان علمی خود سیراب می‌کنند.

فهرست مطالب

پیشگفتار	۹
فصل اول: کلیات	۱۹

بخش اول: جامعه‌شناسی مدرسه

فصل دوم: تفسیر جامعه شناختی شکست تحصیلی	۳۳
فصل سوم: تصورات معلم از پیشرفت دانش‌آموزان	۴۷
فصل چهارم: کلاس درس	۶۳
فصل پنجم: فرهنگ کتاب‌خوانی	۷۳
فصل ششم: نابرابری آموزشی	۹۷

بخش دوم: جامعه‌شناسی محتوا

فصل هفتم: جامعه‌شناسی زبان	۱۱۱
فصل هشتم: جامعه‌شناسی فضا	۱۲۳
فصل نهم: جامعه‌شناسی کتاب‌های درسی	۱۲۹

بخش سوم: جامعه‌شناسی ارتباط نهاد آموزش و پرورش با نهادهای دیگر جامعه

فصل دهم: تصور والدین از علم و مدرسه	۱۵۳
فصل یازدهم: جهانی شدن و آموزش و پرورش	۱۶۹
فصل دوازدهم: بازدیدهای علمی	۱۹۱

بخش چهارم: مباحث کلیدی نهاد آموزش و پرورش

فصل سیزدهم: جامعه‌پذیری	۲۰۱
فصل چهاردهم: جامعه‌شناسی هوش	۲۲۱
فصل پانزدهم: مشاهده تفاوت دانش و شناخت در زندگی روزمره	۲۴۵
فصل شانزدهم: نقش دانشگاه در افزایش سرمایه فرهنگی	۲۸۳
فصل هفدهم: نقش و جایگاه علوم تربیتی	۳۰۵

نتیجه گیری نهایی..... ۳۱۵

هر رشته‌ای در علوم انسانی، در اصل نوعی رویکرد است. جامعه‌شناسی نیز یک رویکرد است، همین‌طور روان‌شناسی یا روان‌شناسی اجتماعی. منظور از رویکرد یعنی نخست، نگاهی خاص به موضوعات و مسائل مربوط با افراد هر جامعه‌ای دارد. دوم، موضوعات خاصی برایش جالب است، که بدان‌ها می‌پردازد و آن‌ها را بررسی می‌کند. البته ما با مقوله‌ی دیگری به نام پارادایم^۱ برخورد داریم که امری جداگانه و فراتر از رویکرد است. منظور از پارادایم «دستاورد‌های علمی پذیرفته شده همگانی است که برای یک دوره‌ی زمانی، الگوهای مسائل و راه‌حل‌ها را برای جامعه‌ای از کارورزان فراهم می‌آورند.» (کوهن، ۱۳۸۳: ۷۶) یا «پارادایم مفروضات کلی نظری و قوانین و روش‌های کاربرد آن‌هاست که اعضای جامعه‌ی علمی خاصی آن‌ها را برمی‌گیرند.» (چالمرز، ۱۳۷۹: ۱۰۸) در واقع، «پارادایم فعالیت دانشمندان عادی را، که سرگرم گشودن و حل معماها هستند، هماهنگ و هدایت می‌کند.» (همان: ۱۰۹) از این رو پارادایم یک مجموعه‌ی فکری برای فهم دنیای پیرامون ماست.

درضمن هر رشته از سویی شامل تعدادی نظریه است. منظور از نظریه، «کالبدی است از فرضیات به هم پیوسته که الگویی برای توضیح یک پدیده به وجود می‌آورد.» (دورتیه، ۱۳۸۲: ۲۳۷) به عبارتی، «نظریه تصویری با دقت بیشتر یا کمتر از جهان ارائه نمی‌کند، بلکه نوعی ابزار، وسیله یا منطق برای وساطت در جهان است که با سازوکارهای توصیف، تعریف، پیش‌بینی و کنترل دست‌یافتنی است.» (بارکر، ۱۳۸۷: ۶۰) ولی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی، «نظریه‌ی جامعه‌شناسی گستره‌ای از افکار سازمان یافته را در بر می‌گیرد که با مهم‌ترین قضایای مربوط به زندگی اجتماعی سروکار دارد.» (ریترز، ۱۳۷۹: ۴)

ممکن است نظریه‌هایی بین رشته‌های هم‌جوار مشترک باشند. برای مثال نظریه‌ی تعامل نمادین هم در جامعه‌شناسی و هم در روان‌شناسی اجتماعی مطرح و قابل استناد است. و از سوی دیگر، ممکن است موضوعات مشترک در رشته‌های مختلف بررسی شوند. مثلاً موضوعات مثبت یا سازنده مانند تبلیغات، کتاب‌خوانی و رسانه‌ها و موضوعات منفی یا تخریب‌کننده شامل بزهکاری، انحرافات، آسیب‌شناسی اجتماعی نظیر طلاق را در همه‌ی رشته‌های یادشده می‌توان بررسی کرد تا به درک درست آن‌ها رسید. طبعاً نگاه به موضوع متفاوت بوده و چه بسا نتایج نیز ممکن است متفاوت باشند. با وجود این، باید توجه دقیق داشته باشیم که «بر شکل‌گیری همه حوزه‌های فکری زمینه‌های اجتماعی تأثیر عمیقی داشته اند.» (همان: ۵)

^۱. Paradigm / Paradigme

در جامعه‌شناسی سه نظریه اصلی وجود دارد که پایه‌های اصلی این رشته‌اند و نیز پایه اصلی نظریه‌های بعدی، به طوری که حتی اگر با یکی از این نظریه‌های اصلی تضادی داشته باشند، باز به صورت غیر مستقیم با این سه نظریه مرتبطند.

بنیان‌گذار واژه جامعه‌شناسی آگوست کنت (Agaust Comte) فیلسوف فرانسوی است که به نظر او «جامعه‌شناسی باید وجهه‌ای علمی به خود بگیرد.» (همان: ۱۶) به اعتقاد کنت، جامعه‌شناسی علم مطالعه، تجزیه و تشریح شکل‌های ظاهری و رفتارهای ظاهری حیات اجتماعی مانند لباس غذا و غیره است. جامعه‌شناسی کنت بر فرد تأکید ندارد، بلکه پدیده‌های بزرگ‌تری همچون خانواده را واحد بنیادی تحلیل خود در نظر می‌گیرد. او همچنین «استدلال می‌کرد که باید هم به ساختار اجتماعی و هم به دگرگونی اجتماعی توجه داشت.» (همان: ۱۸) ولی در این زمینه پژوهشی جدی انجام نداد.

بنیان‌گذار اصلی رشته جامعه‌شناسی امیل دورکیم (Emile Durkheim) فیلسوف فرانسوی است که این رشته را پایه‌ریزی و نظریه‌پردازی کرد. دورکیم «این واقعیت را مطرح کرد که چگونه نهادهای اجتماعی گوناگون ویژگی‌های اخلاقی متفاوتی را شکل می‌دهند و چگونه بر فکر و رفتار افراد تأثیر می‌گذارند.» (گرنفل، ۱۳۸۹: ۶۸) از این رو، «اخلاق نه تنها در جامعه‌شناسی دورکیم بلکه در بسیاری از نظریه‌های جامعه‌شناختی بعدی (برای نمونه، تالکوت پارسونز^۲) نقشی اساسی داشته است.» (ریتزر، ۱۳۷۹: ۱۰) دورکیم معتقد بود که «وظیفه ویژه جامعه‌شناسی بررسی آن چیزی است که وی آن را واقعیت‌های اجتماعی نامید.» (همان: ۲۱) بنابراین، او جامعه‌شناسی را علم مطالعه واقع‌های و پدیده‌های اجتماعی می‌داند. منظور از واقعۀ اجتماعی، اتفاقات، حوادث و رفتارهایی است که در بخشی از جامعه رخ می‌دهد خواه مثبت مانند تقسیم کار اجتماعی، یا کتاب خوانی، شنیدن موسیقی و خواه منفی مثل خودکشی، انحرافات، طلاق و غیره. زمانی که واقعه‌ای در سطح جامعه به صورت پراکنده و همه‌اشار جامعه را دربرگرفت، واقعه مزبور به پدیده تبدیل شده است که بدون شک بررسی و اظهارنظر در مورد آن، به پژوهش نیاز دارد. البته «دورکیم دو نوع واقعیت اجتماعی مادی و غیر مادی را از هم متمایز کرد؛ ولی تأکید اصلی‌اش بر واقعیت‌های اجتماعی غیر مادی (مانند فرهنگ و نهادهای اجتماعی) بود تا واقعیت‌های اجتماعی مادی (مانند دیوانسالاری و قوانین).» (همان: ۲۲) نظریه جامعه‌شناسی دورکیم به کارکردگرایی (Functionalisme) معروف است. کارکردگرایی، بر اساس این نظریه هر کل مرکب از اجزایی است که به نحو خاصی با هم ترکیب شده‌اند و حتی اگر هر دو بخش یعنی اجزاء و کل دچار تغییر و دگرگونی هم بشوند، باز هم به حفظ و ثبات کل کمک می‌کنند و همچنان نظم برقرار است؛ یعنی این کارکرد یا محتوای است که تغییر می‌کند. به طور کلی کارکردگرایان نظام اجتماعی را دارای تعادل و نظم می‌دانند. این نوع جامعه‌شناسی با توجه به اهمیتی که برای سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی قایل است، به اصالت جامعه نیز مشهور است.

۲. خود ویراستار گذاشته Talcott Parsons

ماکس وبر (Max Weber) جامعه‌شناسی را در آلمان پایه‌ریزی کرده و آن را مطالعه رفتار معنی‌دار انسان در جامعه می‌داند. از این رو، وی کنش‌ها را به عنوان موضوع پژوهش، مورد بررسی قرار می‌دهد. در نتیجه، جامعه‌شناسی وی به کنش‌گرایی (Actionalism) معروف است و معتقد است هر فرد راهبردی دارد و بر اساس نفع و ضرر و با آگاهی نسبت به جامعه واکنش نشان می‌دهد و بی‌چون چرا تحت تأثیر جامعه نمی‌باشد. بدین ترتیب، موضوع اصلی این دیدگاه کنش افراد است و جامعه در واقع حاصل جمع کنش‌های افراد است. این جامعه‌شناسی به اصالت فرد نیز معروف است. به عبارتی، «از دیدگاه وبر، معنای اعمال هر کنشگر اجتماعی از نظر خود او که برای دیگران امری داده شده نیست، اهمیت بنیادی دارد، زیرا همین معناست که نمایانگر علت آن اعمال است.» (بودن، ۱۳۸۳: ۹۱) همچنین، کار وبر «انتقاد از دنیای مدرن را کامل کرد؛ زیرا او با تحقیق در باره این موضوع که چگونه خود ایده‌ها می‌توانند به عمل انسان شکل ببخشند، نقش مهمی ایفا کرد.» (گرنفل، ۱۳۸۹: ۶۸)

بعدها طرفداران کارل مارکس (Karl Marx) نظریه‌هایش را به صورت جامعه‌شناسی در آوردند و ساختارگرایی (Structuralisme) را پایه‌ریزی کردند. در این میان «نقش‌های لوفور، فیلسوف فرانسوی، با کتاب جامعه‌شناسی مارکس را نمی‌توان در این مورد نادیده گرفت.» (ریتزر، ۱۳۷۹: ۱۰۰) البته به تعبیر بودن «دورکیم را می‌توان از شمار ساختارگراها پیش از پیدایش این اصطلاح دانست؛ وی تحلیل علمی را تحلیل نسبت‌های موجود میان متغیرها می‌داند.» (بودن، ۱۳۸۳: ۹۰) به هر حال، «ساختارگرایی برنامه‌ای است که هدف آن تحلیل مناسبات موجود میان داده‌های کلی مشاهده‌شده‌ی از لحاظ بازیگران اجتماعی و دلائل آن‌هاست.» (همان: ۱۵۹) این دیدگاه هر گاه میان عناصر و اجزای یک مجموعه که کلیت آن مورد نظر است، رابطه‌ای نسبتاً ثابت و پایرجا برقرار باشد، به مفهوم ساخت می‌رسیم. ساخت جامعه شبکه‌ی ارتباطات اجتماعی موجود است که وحدت آن‌ها در شبکه و مستمری که پایگاه‌ها و نقش‌ها محور اصلی آن را تشکیل می‌دهند، خلاصه می‌شود. گفتنی است که اقتصاد مرکز اصلی اندیشه‌ی مارکس است. در واقع، «مارکس در جای‌جای آثارش، مانند یک جبرگرای اقتصادی سخن می‌گوید؛ یعنی اقتصاد سیاسی را دارای اهمیت درجه‌ی یک می‌داند و استدلال می‌کند که اقتصاد سیاسی تعیین‌کننده‌ی همه‌ی بخش‌های دیگر جامعه - سیاست، دین، نظام‌های فکری و غیره - است.» (ریتزر، ۱۳۷۹: ۱۹۲) از این رو «وبر، مارکس و مارکسیست‌های روزگار خود را جبرگرایانی اقتصادی می‌انگاشت که نظریه‌هایشان در باره‌ی زندگی اجتماعی تک‌علتی بود. یکی از موارد جبرگرایی اقتصادی که از همه بیشتر وبر را برآشفته بود، این نظر بود که افکار چیزی جز بازتاب‌های منافع مادی (به ویژه اقتصادی) نیستند و این منافع مادی‌اند که ایدئولوژی را تعیین می‌کنند. در نتیجه، وبر به جای تأکید بر عوامل اقتصادی و تأثیر آن بر افکار، بیشتر به افکار و تأثیر آن بر اقتصاد اختصاص توجه کرده بود.» (همان: ۳۲) اندیشه‌ای که بعدها توسط طرفداران مکتب فرانکفورت توسعه داده بود.

از نظر سطح مطالعه تمام نظریه‌های جامعه‌شناسی به سه بخش کلان، میانه و خرد (دورتیه، ۱۳۸۲: ۲۳۸) تقسیم می‌شوند. منظور از سطح کلان، پژوهش‌هایی است که به کلیت رفتار و افکار یک جامعه در سطح وسیع علاقه‌مند است. مانند خودکشی دورکیم که مؤلفه‌های زیادی را در کلیت یک جامعه درباره‌ی

خودکشی بررسی می کند. در حالی که سطح میانی به موضوعاتی مانند بررسی یک طبقه خاص مثلاً چگونگی مصرف خوراک طبقه کشاورز یا چگونگی گذران اوقات روزمرگی شان، می پردازد؛ اما در سطح خرد به مسائل ریز درون خانواده، یا چگونگی جزئیات تدریس معلمان در مدارس مختلف می پردازد.

نگاه به موضوع

از نظر نوع نگاه به موضوع (هر مسئله اجتماعی) یا علت یابی چگونگی وجود موضوع، جامعه شناسی به پنج مکتب تقسیم شده است (دورتیه، ۱۳۸۲ و جلائی پور، ۱۳۸۸) که عبارت اند از: رویکرد علی، رویکرد تفهیمی، رویکرد کارکردی، رویکرد ساختاری و رویکرد دیالکتیک.

رویکرد علی: رویکردی است که «در بررسی یک واقعیت اجتماعی (برای مثال موفقیت تحصیلی) آن را در ارتباط با یک واقعیت اجتماعی دیگر (مثلاً طبقه اجتماعی والدین کودک) قرار می دهد.» (دورتیه، ۱۳۸۲: ۲۳۴) دورکیم در بررسی خودکشی از این رویکرد استفاده کرده است. میزان یکپارچگی فرد درون جماعت بر گسترش خودکشی تأثیری مستقیم دارد که نتیجه اصلی وی در این پژوهش است.

رویکرد تفهیمی: در این رویکرد، هدف آن است که «پدیده اجتماعی (واقعه سیاسی، انتخابی در مصرف و غیره) را با حرکت از نیات و انگیزه های کنش گران آن ها توضیح دهیم.» (همان: ۲۳۵) این رویکردی است که ماکس وبر در کتاب خود اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری مطرح می کند. وبر نشان می دهد که چگونه ارزش های کالونیستی که پروتستان ها، آن ها را از قرن هفدهم می پذیرند - کار، انباشت، مدیریت مناسب - کالاها را به ارزش تبدیل می کنند و سبب ایجاد زمینه مناسب برای تحقق یافتن انباشت سرمایه داری می شوند. توضیح یک پدیده اجتماعی در این جا به انگیزه های آگاهانه کنشگران آن، پیوند خورده است.

رویکرد کارکردی: رویکردی است که «به دنبال یافتن کارکردی است که پدیده مورد مطالعه در بطن نظامی مفروض بر عهده دارد. برونیسلاو مالینفسکی، مناسک دینی را به مثابه ابزاری برای یکپارچگی اجتماعی تفسیر کرده است. یا مثلاً در مراسم تولد، کارکردی آشکار و صریح وجود دارد که همان جشن گرفتن تولد یک فرد خاص است، اما در کنار آن کارکرد، کارکردی ضمنی یا پنهان هم وجود دارد که تقویت انسجام اجتماعی است.» (همان: ۲۳۵)

رویکرد ساختاری: این رویکرد «بیانگر نگاهی تازه به موضوع است، زیرا در پی ساختارها یا شکل هایی است که به آن پدیده، پیکربندی ویژه می دهند.» (همان: ۲۳۶) چگونگی ارتباط طبقات مختلف اجتماعی مثلاً طبقه کارفرما و طبقه کارگر در کارهای مارکس در این نوع رویکرد قرار دارند.

رویکرد دیالکتیک: رویکردی است که «پدیده اجتماعی را در چارچوب فرایندی پویا توضیح می دهد، فرایندی که درون آن نیروهایی متضاد رودرروی هم قرار گرفته اند.» (همان: ۲۳۶) هم پژوهش های مارکس و هم پژوهش های مکتب فرانکفورت برای مثال در ارتباط با صنایع فرهنگی در این رویکرد مثال های واقعی هستند.

سوژه و واقعیت

جایگاه سوژه و جایگاه واقعیت دو نکته اساسی در حوزه جامعه‌شناسی است که جامعه‌شناسان را به چند دسته تقسیم کرده است: دسته‌ای که معتقدند واقعیت اجتماعی در خارج از ذهن انسان‌ها قرار دارد، مانند دورکیم و مارکس. در این حالت فرد کمتر سوژه است و بیشتر محصول و محصور در ساختارها و نهادهای اجتماعی می‌باشد و هیچ نقش و دخالتی در چگونگی واقعیت‌ها ندارد. در نتیجه، این دسته طرفدار اصالت جامعه هستند. دسته دوم معتقدند که واقعیت‌ها اموری ذهنی و برساخته‌ای اجتماعی‌اند. وبر این اعتقاد را مطرح می‌کند. فیلسوف اطریشی ادموند هوسرل نیز با بنیان‌گذاری پدیدارشناسی^۳ این تفکر را فرضیه پردازی کرد و در حوزه جامعه‌شناسی آلفرد شوٲس پدیدارشناسی اجتماعی^۴ را مطرح کرد و امروزه پیتر برگر و توماس لوکمن (۱۹۸۶) از پیروان و صاحب‌نظران این ایده هستند. این دسته سوژه را به حد‌اعلی خود مختاری تصور می‌کنند. از این رو، آنان به اصالت فرد مشهورند. دسته سوم معتقدند، انسان‌ها نه اسیر ساختار است، آن طوری که دسته اول می‌اندیشند و نه سوژه مطلق، آن گونه که پدیدارشناسان معتقدند، بلکه انسان در نوسان بین این دو حالت سوژه‌بودگی و محصوربودگی در حرکت است. پیر بوردیو و آنتونی گیدنز به درجات مختلف «عاملیت» در این دسته قرار دارند. البته بسته به میزان آگاهی فرد و شناخت او بین سوژه‌بودگی و محصوربودگی در نوسان است. یعنی هرچه فرد آگاه‌تر باشد، بیشتر به عاملیت و سوژه‌بودگی نزدیک شده و هر چقدر کمتر از آگاهی برخوردار باشد، بیشتر مطیع ساختارهای جامعه خواهد بود.

با توجه به مطالب متنوع مطرح شده، کتاب حاضر در چارچوب نظریه خاصی نمی‌باشد، بلکه از آن جایی که بخش‌هایی از این کتاب محصول کارهای پژوهشی است و پژوهشگر فقط با روش کیفی پژوهش‌هایی را انجام داده است، نخست، روش کیفی بیشتر در حوزه‌های انسان‌شناسی معاصر و نه کلاسیک و جامعه‌شناسی خرد معنی داشته و قابل استفاده می‌باشد، می‌توان مدعی شد که روح جامعه‌شناسی خرد بر فصول مختلف کتاب حاضر غالب است. ضمن این که دوم، در فصل‌هایی که نتایج پژوهش‌های نگارنده است که به روش کیفی صورت گرفته است، بعد از تبدیل اطلاعات جمع‌آوری شده به داده‌ها و تحلیل آن‌ها از نظریه‌هایی که نیازمند تبیین نتایج بوده و پژوهشگر به آن‌ها شناخت داشته است، در مواقعی از نظریه‌های ترکیبی استفاده کرده‌ایم. به عبارتی، یکی از مشخصات روش کیفی نیز در این است که بعد از جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها باید به سراغ نظریه‌ها رفت و هدف اجرای نظریه‌ای در عمل نیست. از این رو، نظریه‌های متفاوتی در کتاب حاضر مطرح شده‌اند. ولی به طور خلاصه می‌توان گفت روش کیفی و نظریه جامعه‌شناسی خرد و در مواقعی نظریه عاملیت بوردیو (۱۹۸۹) که واسطه‌ای بین ساختار و فرد یا بین عینیت و ذهنیت است، در کتاب حاضر بیشتر خودنمایی می‌کند.

^۳. Phenomenology / Phénoménologie

^۴. Social Phenomenology / Phénoménologie Social

تقسیم بندی جامعه شناسی

اولین بخشی که از جامعه شناسی جدا شد و رشته ای مستقل را تشکیل داد، انسان شناسی است که توسط مارسل موس (Marcel Mauss) خواهر زاده امیل دورکیم در فرانسه شکل گرفت که هدفش مطالعه قوم ها و نژادهای خاص است. امروزه جامعه شناسی تخصصی شده و به شاخه های مختلف تقسیم شده است و هر یک توسط یکی از جامعه شناسان برجسته ساخته، نظریه پردازی و شکل گرفته است.

جامعه شناسی سیاسی و جامعه شناسی مذهبی توسط ماکس وبر پایه ریزی شد. مبتکر جامعه شناسی شهری هانری لوفور، فیلسوف فرانسوی، است. جامعه شناسی اقتصادی و جمعیت شناسی با کارهای آلفرد سوی شکل گرفت. جامعه شناسی آموزش و پرورش که پرکارترین رشته جامعه شناسی است، توسط خود دورکیم با کتاب جامعه شناسی و آموزش و پرورش پایه ریزی شد. جامعه شناسی ارتباطات جمعی با کارهای ژان کازنو، جامعه شناسی جنگ توسط گاستون بوتول و جامعه شناسی بیماری های روانی توسط روژه باستید ساخته شد. مبتکر جامعه شناسی خانواده الن ژیرارد بود. جامعه شناسی روستایی با هانری مندراس متولد شد. جامعه شناسی سازمان توسط میشل کروزیه، جامعه شناسی کار با پیر ناویل و جامعه شناسی فرهنگ با کارهای پیر بوردیو و ژان کلود پسون آغاز شد. جامعه شناسی نهضت های اجتماعی با اندیشه الن تورن ساخته شد.

ولی جامعه شناسی آموزش و پرورش (Sociology of Education) یکی از تخصص های مهم، پیچیده و پرکار از رشته جامعه شناسی است که وسعت مطالعات و موضوعات آن دلیل این ادعاست. بدون اغراق می توان گفت دو رشته از جامعه شناسی: جامعه شناسی آموزش و پرورش و جامعه شناسی خانواده، پرکارترین رشته های جامعه شناسی می باشند؛ زیرا به هر جهت هر جامعه شناسی به نوعی مستقیماً در ارتباط با مسئله آموزش (به واسطه تحصیلاتش) و خانواده (حداقل فرزند خانواده ای بودن) بوده و می باشد. کتاب حاضر در تلاش است این رشته از حوزه جامعه شناسی را در سطح بضاعت علمی نگارنده که نه تنها تحصیلات دانشگاهی خود را در این رشته انجام داده، بلکه سال های متمادی است که این درس را در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس و دکتری تدریس کرده و می کند، توضیح بدهد. بخشی از مطالب و فصل های کتاب حاضر قبلاً به شکل مقاله در مجلات علمی - پژوهشی یا در مجموعه مقالات به چاپ رسیده اند، یا در همایش های داخلی و خارجی مطرح شده اند، یا چاپ شده اند و بخش های دیگری یا در کلاس های درس مطرح شده و مورد ارزیابی و پرسش های دانشجویان واقع شده اند و یا بخش های اندکی برای اولین بار مطرح می شوند. از این رو، نخست، در شکل، ارائه و اندازه فصل ها تفاوت دیده می شود، که ناشی از سیاست و شکل درخواستی مجلات علمی - پژوهشی، مجموعه مقالات و مباحث کلاس های درس است. دوم، ممکن است بخش هایی کوتاه در تعدادی از فصل ها کمی مشترک و تکراری به نظر برسند که نمی توانستیم و نمی خواستیم آن ها را حذف کنیم، زیرا مایلیم که هر فصل را بتوان به شکل مجزا مطالعه کرد. ضمن این که در یک نگاه کلی تمام فصل ها با یکدیگر در ارتباط اند که مجموعه ای را

به نام «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش» می‌سازند که در فصل بعدی مفصلاً توضیح داده خواهد شد. از نشر آوای نور و دست‌اندرکاران آن نهایت تشکر را داشته که در چاپ این کتاب همت داشتند. همچنین، از ویراستار محترم خانم منیژه حقدوست نیز که تقبل ویرایش نوشته اینجانب را کردند، سپاسگزارم.

تهران آبان ۱۳۹۱ - مرتضی منادی